

علامه مجلسی

علامه مجلسی مجاهد راه علم و دانایی از جمله علمای عصر صفوی است که با وجود برخورداری از علوم عقلی آن را رها کرد و برای احیای علوم نقلی به آیات و روایات روی آورد.

محمد باقر مجلسی فرزند محمد تقی مجلسی در سال ۱۰۳۷ هجری برابر با حروف ابجد «جامع کتاب بحار الانوار» چشم به جهان گشود. وی در خاندانی رشد یافت که از نیمه قرن پنجم هجری به مذهب تشیع روی آورده و در قرن دهم و یازدهم از دانشمندان معروف زمان خود بودند. پدر بزرگ محمد باقر، ملا مقصود از دانشمندان با تقوا و از مروجین مذهب تشیع بود و به خاطر کلام زیبا و اشعار دلنشین در محافل و مجالس به «مجلسی» لقب گرفت.

محمد باقر در چهار سالگی به درس و بحث روی آورد و در چهارده سالگی از ملاصدرا اجازه روایت دریافت کرد. گذشته از این در مکتب دانشمندانی چون شیخ حر عاملی، ملامحسن استرآبادی، ملامحسن فیض کاشانی، ملاصالح مازندرانی تلمذ کرده است، طوریکه گفته اند شمار اساتید وی به بیست و یک استاد می رسد.

علامه مجلسی در اندک زمانی بر دانش های صرف و نحو، معانی و بیان، لغت و ریاضی، تاریخ و فلسفه، حدیث و رجال، درایه و اصول، فقه و کلام مسلط شد و پس از فوت پدر به زعامت مسجد و مدرسه جامع اصفهان پرداخت. در درس او بیش از هزار طلبه حاضر می شدند. در مکتب این علامه عصر صفوی شخصیت های بزرگی از دانشمندان دانش آموخته اند که می توان از مولی ابراهیم جیلانی، ملامحمد باقر لاهیجی، ملا حسین تفرشی، عبدالحسین مازندرانی، سید عزیز الله جزایری، ملامحمد کاظم شوشتری و سید نعمت الله جزایری نام برد. سید مصلح الدین مهدوی در کتاب زندگینامه علامه مجلسی به نام ۱۸۱ نفر از شاگردان وی اشاره کرده است.

علامه علاوه بر علم و دانش در عرصه سیاست نیز فعال بود و پس از فوت مرحوم ملا محمد باقر سبزواری در سال ۱۰۹۰ به منصب شیخ الاسلامی دست یافت. علامه در این سالها علاوه بر مبارزه علیه صوفیان با کشیشان دربار، بیگانگان، نمایندگان مؤسسات و شرکت های غربی به مبارزه با بت پرستان پرداخت و خدمات شایانی به مذهب حقه جعفری کرد.

علامه مجلسی از جمله علمایی بود که سعی در ایجاد وحدت میان شیعه و سنی را داشت و این در خواسته وی از سلطان حسین صفوی هنگام

تاجگذاری هویدا است. وی از شاه خواسته بود طی فرمانی نوشیدن مسکرات، جنگ میان فرقه ها و کبوتر بازی را ممنوع اعلام کند.

در خواسته علامه مجلسی سه نکته ای که ملتهای بزرگ با آرمانهای متعالی را به زانو درمی آورد، مورد توجه قرار گرفته و آن فساد، تفرقه و بی تفاوتی نسل جوان بود. نکته مهمی که در سیاست علامه در دربار به چشم می خورد، این است که در زمان شیخ الاسلامی ایشان هیچ برخوردی بین ایران و همسایگان اهل سنت رخ نداد و به هیچ یک از ولایتهای اهل تسنن ایران از سوی شیعیان تعدی نشد.

آنچنان که مشهور است علاوه بر تربیت شاگردان کتابهای گرانبهای بسیاری تألیف کرده است؛ حق الیقین، عین الحیاء، حلیة المتّقین، حیوة القلوب. بسیاری دیگر از کتب فارسی و عربی که بر اساس نیاز مردم تحریر شده است که مشهورترین و معروفترین این کتابها که در حقیقت دایره المعارفی بزرگ درباره تشیع می باشد، کتاب بحار الانوار است که بالغ بر ۱۰۰ جلد است.

علامه در مسیر احیای علوم اهل سنت (ع) با وجود برخورداری از علوم عقلی آن را رها کرد و برای احیای علوم نقلی به آیات و روایات روی آورد که در آن زمان طلاب علوم دینی از آن دور مانده بودند و در اولین گام کتب اربعه را

به درس و بحث حوزه های علمیه آن زمان کشاند. در گام بعدی با جمع آوری گهرهای گرانبه‌های اهل بیت که در اطراف و اکناف پراکنده بود در بحار الانوار جمع کرد.

علامه در مقدمه بحار الانوار چنین می نگارد:

«در آغاز کار به مطالعه کتاب های معروف و متداول پرداختم و بعد از آن به کتاب های دیگری که در طی اعصار گذشته به علل مختلف متروک و مهجور مانده بود رو آوردم. هر جا که حدیث نسخه حدیثی بود سراغ گرفتم و به هر قیمتی که ممکن شد بهره برداری می کردم. شرق و غرب را جویا گشتم تا نسخه های بسیار گردآوری نمودم. در این مهم دینی جماعتی از برادران مذهبی مرا یاری نمودند و به شهرها و قصبه ها و بلاد دور سر کشیدند تا به فضل الهی مصادر لازم را بدست آوردند ... بعد از تصحیح و تنقیح کتاب ها بر محتوای آنها واقف شدم، نظم و ترتیب کتاب ها را نامناسب دیدم و دسته بندی احادیث را در فصل ها و ابواب متنوع راهگشای محققان و پژوهشگران نیافتم، از این رو به ترتیب فهرستی همت گماشتم که از هر جهت جالب و مفید باشد. در سال ۱۰۷۰ هجری این فهرست را ناتمام رها کردم و از فهرست بندی سایر کتاب ها دست کشیدم که اقبال عمومی را مطلوب ندیدم و سرانجامه را فاسد و نامطبوع دیدم....»

ترسیدم که در روزگاری بعد از من باز هم نسخه های تکثیر شده من در طاق
نسیان متروک و مهجور شود و یا مصیبتی از ستم غارتگران زحمات مرا در
تهیه نسخه ها بر باد دهد، لذا راه خود را عوض کردم- از خدا یاری طلبیدم- و
به کتاب بحارالانوار پرداختم.

... در این کتاب پربار قریب ۳۰۰۰ باب طی ۴۸ کتاب علمی خواهید یافت که
شامل هزاران حدیث است، شما در این کتاب برای اولین بار با نام برخی از
کتاب ها آشنا می شوید که سابقه علمی ندارد و طرح آن کاملاً تازه است.

پس ای برادران دینی که ولایت امامان را در دل و ثنای آنان را بر زبان دارید
به سوی این خوان نعمت بشتابید و با اعتراف و یقین کتاب مرا دست به دست
ببرید و با اعتماد کامل به آن چنگ بزنید و از آنان نباشید که آنچه را در دل
ندارند بر زبان می آورند.»

اما فرصت کم و مشاغل زیاد او مانع از آن شد که به تصحیح روایات بپردازد.
به همین علت در مقدمه چنین نگاشت:

«در نظر دارم که اگر مرگ مهلت دهد و فضل الهی مساعدت نماید، شرح کاملی
متضمن بر بسیاری از مقاصدی که در مصنفات سایر علما باشد بر آن

(بحارالانوار) بنویسیم و برای استفاده خردمندان، قلم را به قدر کافی پیرامون

آن به گردش درآورم.»

علامه مجلسی قدرت تصحیح روایات و احادیث را به خوبی دارا بود، همان

گونه که این قدرت و ژرف نگری خود را در مرآة العقول به نمایش گذارده

است.

علامه بزرگوار سرانجام در ۲۷ رمضان ۱۱۱۰ هجری قمری در زمان شاه

سلطان حسین صفوی و در سن هفتاد و سه سالگی در اصفهان درگذشت و

در جامع عتیق اصفهان، در جوار مرقد پدر بزرگوارش، جایی که امروزه «بقعه

مجلسی» خوانده می شود، به خاک سپرده شد.